

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

مناقشه در دیدگاه مرحوم امام خمینی

کلام رسید به مناقشه‌ای که در فرمایش امام (رضوان الله تعالی علیه) است. بیان نمودیم در فرضی که شخص نماز را در وقت مختص به عصر می‌خواند و به اندازه‌ای که این نماز را قطع کند و یک رکعت به عنوان العصر بخواند هم وقت ندارد، امام (رضوان الله علیه) بر اساس حکم عقل و موافقت احتمالیّه فرمودند: این نمازش را تمام کند، و بعد قضای نماز عصر را انجام دهد. اشکالی که دیروز بیان کردیم این است که شما با استصحاب عدم ایتان عصر چه می‌کنید؟ ما در اینجا با دو مطلب مواجه هستیم. یک مطلب حکم العقل بایتنان الموافقة الاحتمالیّة و البرائة الاحتمالیّة است در فرضی که برائت یقینی امکان ندارد. و مطلب دوم استصحاب است. آیا نمی‌توانیم بگوئیم با وجود استصحاب مجالی برای حکم عقل وجود ندارد؟ به عبارت روشن‌تر، عقل در باب امتثال برای ما حکومت دارد؛ در مقام امتثال، رأی عقل معتبر است؛ و در همین امتثال، در مواردی که استصحاب جریان پیدا می‌کند، استصحاب می‌گوید با این چهار رکعت، امتثال صلاه عصر نشده است و مجالی برای عقل وجود ندارد. یعنی: در دوران حکم عقل و استصحاب، باید استصحاب را مقدم کنیم. لذا، این اشکال به نظر می‌رسد بر فرمایش ایشان وارد است. شما نیز دقت بفرمایید و بدانید این اشکال در کلمات دیگران نیامده است.

(سؤال و پاسخ استاد): در حقیقت، استصحاب در اینجا می‌آید موضوع حکم عقل را از بین می‌برد. شما در جایی که می‌گویید قبح عقاب بلا بیان، بعد عقل می‌گوید هذا بیان، آنجا موضوع حکم عقل از بین می‌رود؛ اینجا هم عقل مسئله‌ی امتثال را می‌گوید که با همین چهار رکعت، امتثال احتمالی انجام شده است، اما استصحاب می‌گوید نه، امتثال احتمالی هم نشد. یعنی استصحاب امتثال احتمالی را کالعدم قرار می‌دهد؛ استصحاب می‌گوید مولا برای این احتمال شما ارزشی قائل نیست؛ لذا، باید مطابق با استصحاب عمل کرد. نتیجه این است که اولاً، اصل تفصیل بین وقت مشترک و وقت مختص درست است؛ و باید بین اینها فرق گذاشت. یعنی کسی که نمازی می‌خواند و در اثنای نماز شك می‌کند این نماز، ظهر است یا عصر؟ اگر در وقت مشترک است، نمازش باطل است. مرحوم امام در وقت مختص فرمودند بین جایی که أدرك رکعة و جایی که لم یدرك رکعة فرق است؛ اما ما می‌گوئیم استصحاب می‌گوید که در هر دو مورد شخص نماز عصرش را نیاورده است؛ لذا، در جایی که أدرك رکعة، قطع نماز واجب است، اما در جایی که لم یدرك رکعة دیگر قطعش واجب نیست. اختلاف عرض ما و فرمایش امام در همین جاست که امام فرمودند در جایی که لم یدرك رکعة، به مقتضای حکم عقل قطعش جایز نیست، اما ما می‌گوئیم استصحاب می‌گوید نمازش عصرش را نیاورده و قطعش جایز است. در اینجا قسمت و فرض یکم از مسأله اول فروع علم اجمالی تمام می‌شود. و حالا نوبت می‌رسد به فرض دوم مسأله اول.

بررسی فرض دوم از مسأله یکم از فروع علم اجمالی

مرحوم سید در فرض دوم مسأله یک می‌فرماید: «و إن كان لم يصلّها أو شكّ في أنّه صلّاها أو لا، عدل به إليه»؛ اگر شخص یقین دارد که نماز ظهر را نخوانده است یا شک دارد نماز ظهرش را خوانده است یا نه، به نماز ظهر عدول کند، و این نمازی که مشغول آن است را نماز ظهر قرار دهد و بعد از آن چهار رکعت به عنوان نماز عصر بخواند.

اقوال موجود در مسأله

در مورد این قسمت، قول به بطلان نداریم؛ اما سه قول در اینجا هست. قول اول این است که به نماز ظهر عدول کند؛ قول دوم که مرحوم آل‌یاسین در حاشیه‌ی عروه دارد، این است که باید بین وقت مشترک و وقت مختص تفصیل دهیم؛ اگر در وقت مشترک است، به ظهر عدول کند، اما اگر در وقت مختص عصر است، باطل است و باید آن را رها کند؛ هم نماز ظهر را بخواند و هم نماز عصر را قضا کند. و قول سوم این است که در وقت مختص، بین اینکه اگر نماز را قطع کند، به اندازه یک رکعت برای نماز عصر وقت دارد و یا آنکه چنین وسعتی نیست، فرق است. این مطلب، همین فرقی است که امام (رضوان الله علیه) دارد؛ می‌فرمایند: در وقت مختص اگر وقت واسع است برای اینکه ظهر را تمام کند و یک رکعت عصر بخواند، همین کار را بکند، یعنی آن را ظهر قرار بدهد و یک رکعت هم به عنوان عصر بیاورد؛ اما اگر به اندازه‌ی یک رکعت وقت دارد، این را کنار بگذارد و یک رکعت به عنوان عصر بیاورد که می‌شود اداء، و بعد نماز ظهر را قضا کند؛ لیکن اگر به اندازه‌ی یک رکعت هم وسعت ندارد، می‌فرمایند: احتیاط این است که این را تمام کند - طبق همان مبناي حکم عقل - و بعد از اتمام آن، هم یک نماز قضای ظهر بخواند و هم یک نماز قضای عصر؛ البته ایشان در انتها می‌فرمایند: گر چه رفع ید مطلقاً خالی از وجه نیست. که شاید توجه فرمودند به اینکه استصحاب بر حکم عقل در اینجا مقدم است.

دیدگاه مرحوم محقق عراقی

بحث را از کلام مرحوم محقق عراقی در روائع شروع می‌کنیم. ایشان می‌فرماید: عدولی که در اینجا وجود دارد، عدول رجائی است؛ عدولی که مرحوم سید می‌فرماید، عدول واقعی نیست؛ مرحوم عراقی اسمش را می‌گذارد عدول رجائی، اما مرحوم آقای خوئی اسمش را عدول تقدیری گذاشتند؛ ولی به هر حال، هر دو یک معنا دارد و آن اینکه این عدول، واقعی نیست. زیرا، عدول واقعی جایی است که به عنوان معدول عنه جزم داشته باشیم؛ بدانیم از چه چیزی داریم به چه چیزی عدول می‌کنیم. در مانحن فیه اصلاً نمی‌دانیم که این نماز، ظهر است یا عصر؛ اگر ظهر است که اصلاً عدول نیست، و اگر عصر است، عدول هست؛ لذا، چون نمی‌دانیم عنوان معدول عنه چیست، و جزم به آن نداریم، عدول در اینجا واقعی نیست. در اینجا چند مطلب در کلام عراقی وجود دارد که بعداً هم مثل مرحوم آقای خوئی و آقای حکیم نزدیک به همین مطالب را ذکر کرده‌اند؛ یک مطلب هم در کلمات امام (رضوان الله علیه) وجود دارد که در کلمات دیگران نیست؛ و بایستی اینها را مطرح کنیم.

بررسی وجوب عدول

یک بحث این است که آیا عدول در اینجا واجب است، یا اینکه این عدول، راه برای تصریح به یک امر ترخیصی است؛ یعنی اگر از این نماز به ظهر عدول کند، به عنوان ظهر واقع می‌شود و بعد هم نماز عصر را می‌خواند. مرحوم عراقی می‌فرماید: اگر مسئله‌ی حرمت القطع را مطرح کردیم، عدول واجب است؛ و نماز را نباید قطع کند، بلکه باید از هرچه بوده عدول به ظهر را

نیت کند و آن را به عنوان ظهر قرار بدهد؛ اما اگر کسی بگوید قطع جایز است، عدول در اینجا واجب نیست؛ اما اگر کسی عدول کرد، این نمازش به عنوان نماز ظهر واقع می‌شود. در متن عبارت مرحوم سیّد، فرقی بین وقت مشترک و مختص گذاشته نشده است؛ مرحوم عراقی نیز فرقی قائل نشده‌اند. ایشان می‌فرمایند: اگر گفتیم قطع حرام است، عدول واجب است، فیتّم ما بقي بعنوان الظهریّه، مابقی را به عنوان ظهر تمام می‌کند و بعد هم نماز عصر را می‌آورد. از مرحوم عراقی سؤال می‌کنیم دلیل عدول چیست؟ و آیا عدول طبق قاعده است یا بر خلاف قاعده؟ می‌فرمایند: دلیل عدول، روایاتی است که از آنها استفاده می‌شود می‌توان از فریضه به نافله عدول کرد؛ روایاتی هم هست که از آنها استفاده می‌شود می‌توان از لاحقّه به سابقه عدول کرد. یعنی کسی که به نیت نماز عصر، نمازش را شروع کرد و وسط نماز یادش افتاد نماز ظهر را نخوانده، روایاتی داریم که می‌گوید به ظهر عدول کند. می‌فرمایند: ملاکی که ما از این روایات استفاده می‌کنیم این است که در نماز عنوان اتمامی برای قصد و نیت کافی است، و عنوان شروعی در آن دخالتی ندارد. وقتی روایت می‌گوید اگر دو رکعت به نیت فریضه شروع شود، در سجده‌ی رکعت دوم - که اواخر نماز است - مانعی ندارد که نیت نافله کند؛ در مانحن فیه نیز چهار رکعت به نیت عصر شروع شده، در سجده‌ی دوم رکعت چهارم به یاد می‌آورد که نماز ظهر را نخوانده، در اینجا به نماز ظهر عدول کند.

این روایات می‌گوید آنچه ملاک است و در قصد عنوان دخالت دارد، اتمام است. اشکال: اگر کسی به مرحوم عراقی بگوید: در مقابل روایات عدول، روایاتی هم داریم که می‌گویند ملاک نیت شروع نماز است؛ و از آنها استفاده می‌شود عنوان قصدي ملاک حین افتتاح نماز است. این روایات، همان سه روایتی است که در جلسات گذشته بیان کردیم و در باب دوم از ابواب النية کتاب و سائل آمده است. کسانی که به این روایات تمسّک می‌کنند، می‌گویند از این روایات استفاده می‌شود ملاک شروع نماز است؛ و عدول بر خلاف اصل است. مواردی هم که بر خلاف اصل است، باید اکتفا کنیم بر همان موارد منصوصه. جواب: مرحوم عراقی جواب این سوال را نداده‌اند؛ و فقط این را به عنوان يك احتمال مطرح کرده و رد می‌شوند. اما جوابش این است که این روایات با ما نحن فیه فرق دارد. در آن روایات، شخص می‌داند اول نماز، نیت فریضه کرده، و در وسط نماز، خیال می‌کند که اول نماز، نیت نافله کرده است و آن را به نیت نافله ادامه می‌دهد نه اینکه بخواهد عدول کند. اصلاً مورد این روایات، عدول نیست. بنابراین، اگر از این روایات استفاده کنیم که عدول بر خلاف قاعده است؛ در مواردی هم که بر خلاف قاعده است، باید بر نص اکتفا کنیم؛ و نص هم می‌گوید فقط از لاحقّه به سابقه می‌توان عدول کرد؛ و دیگر شامل ما نحن فیه نمی‌شود. به عبارت دیگر، روایاتی که از آنها عدول استفاده می‌شود، می‌گوید جایی که مکلف می‌داند نماز را به نیت عصر شروع کرده است، اما در وسط نماز توجّه پیدا می‌کند که نماز ظهر را نخوانده است، اینجا باید عدول کند. پس، این روایات عدول حقیقی را مطرح می‌کنند؛ وقتی هم عدول، عدول حقیقی شد، دیگر از این روایت نمی‌توانیم برای ما نحن فیه استفاده کنیم که عدول رجایی یا عدول تقدیری است. اشکال دیدگاه مرحوم عراقی: اشکالی که بر مرحوم عراقی داریم - که جای تعجب است با این که مرحوم عراقی خودشان به مسئله‌ی عدول رجایی تصریح کردند - این است که اگر عدول رجایی است، چرا سراغ روایات که عدول حقیقی را می‌گویند، رفته‌اید؟

کلام مرحوم آقای حکیم

مرحوم آقای حکیم در اینجا يك تعبیر خیلی واضح و رسائی دارد و می‌فرماید: «لأن الواقع لا يخرج عن أحد احتمالات و هي: إما أنه لم يصل الظهر و قد نوى ما بيده ظهراً فتصح. وإما أنه لم يصل الظهر و قد نواها عصرًا، فيكون حكمه العدول إلى الظهر و قد فعل فتصح. وإما أنه قد صلى الظهر و قد نوى ما بيده ظهراً، فبطل هي و تصح الأولى. وإما أنه قد صلى الظهر و قد نوى ما بيده عصرًا، فبالعدول به إلى الظهر يبطل و تصح الظهر الأولى فقط؛» این نماز از چهار حال خارج نیست؛ احتمال اول این است که بگوئید این شخص نماز ظهر را نخوانده، و در این نماز هم از اوّل نیت نماز ظهر کرده است؛ در اینجا هرچند بگوئیم به ظهر عدول می‌کند، اما این عدول نیست. احتمال دوم اینکه بگوئیم نماز ظهر را قبلاً نخوانده بود و این نماز را از الآن به عنوان عصر شروع کرده است، اینجا اگر به نیت عصر واقعاً شروع کرده، روایات عدول می‌گوید باید به ظهر عدول کند؛ احتمال سوم این

است که نماز ظهر را یقیناً خوانده است، اینجا اگر واقعاً نیت ظهر کرده، نمازش واقعاً باطل است، و اگر در این نماز نیت عدول هم بکند، لغو است. احتمال چهارم نیز این است که شخص نیت ظهر کرده، و قبلاً هم نماز ظهر خوانده، و الآن هم این نماز را به نیت العصر آمده شروع کرده، اینجا هم اگر عدول به ظهر کرد، این دو می باطل می شود؛ و اولی به عنوان نماز ظهر قبول می شود. پس، باید ببینیم مستند ما در بحث عدول چیست؟ مستند ما روایات است که می گوید اگر کسی نماز عصر می خواند و یقین پیدا کرد نماز ظهر را نخوانده، به آن عدول کند. اما اینجا نمی دانیم مسئله چنین هست یا نه؟ از این روایات برای ما نحنُ فیه چطور استفاده کنیم؟ می گوئیم نیت العدول کند؛ اما در بعضی از مصادیقش، این دو می باطل و لغو است؛ بعضی از مصادیقش هم از مصادیق حقیقی روایات عدول به حساب می آید و عدول حقیقی می شود، نه عدول رجایی که مرحوم عراقی فرموده اند. لذا، نباید خیلی در اینجا مستند را روایات قرار دهیم.

و صَلَّی اللّٰه عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِیْنَ.